

جامعہ شناسی کویش لورایی

درمہ جامعہ: کونہ زبانی حسکدری

نویسندگان: احمد نوبخت - سید

انتشارات خواروق

این اثر پیشکش می‌شود:

- آستان ملکوتی امام زاده حسن (ع)؛ تجسم پاکی و عصمت، نماد دین ورزی، معنویت و مهر گستری
- شهیدان اهورایی و خون پالود در راه مام وطن که با جسم خویش جان سرزمین را باز نایب نمودند.
- راستگویان راست قامت که دامنشان به دروغ، کبر و ریا آلوده نگردیده است.
- جایگاه پیشگی که در برابر هر نوع ستمی بیرق آزادی به اهتزاز در می‌آورند.
- مردمان خرد و خردپورز البرز زمین
- کنشگران بهلول، مهدی به صلابت هزاربند سترگ و هزارتو و به زلالی و سپیدی رودخانه‌های جاری سبز
- مهر اندیشان و خیرافرینانی که جای شعار گستری، عمل پیشگی راه خود ساخته‌اند و گام‌های عملی را به گفتمان شعری بر تن می‌بخشند.
- بزرگ خصلتانی که ضعف و کمبودیشان، آنان را به خویش مشغول ساخته و فرصت عیبجویی از دیگران را ندارند.
- سترگ مسلک‌انی که در کشاکش ناامیدی و سست گشتن، وجودشان، جوشش و گرمی، شور و شوریدگی، عشق و بالندگی می‌آفریند و جامعه را به غایت در می‌آورد.
- مادران زر وجودی که مشعل مانای زیست و حیات را با تابش خود روشن نموده‌اند تا زندگانی مستدام و پردوام گردد.
- پدران پراراده‌ای که با ردای غیرت و غرور، عشق و نفوذ، سرماگستران انرژی آفرین نهاد پاک و مقدس خانواده‌اند.
- شهروندان با شعور و خردمندی که زیست بوم خود را دوست می‌دارند و دامن آن را پلشت و زشت نمی‌سازند و نگاهبان هوشیار و پرنگاه آن محسوب می‌گردند.

جدول مشخصات آوایی همخوان ها و واکه ها

واکه ها		همخوان ها	
علام آوایی	حروف فارسی	علام آوایی	حروف فارسی
/i/	ی (ی)	/p/	پ
/e/	ا	/b/	ب
/a/	آ	/t/	ت
/ā/	آ	/d/	د
/o/	اُ	/k/	ک
/ü/	او	/g/	گ
/öw/	و	/q/	ق، غ
نشانه ها		/h/	همزه، ع
		/f/	ف
		/v/	و
اصط	اصطلاح	/s/	س، ص، ث
غـ	غیر مستعمل	/š/	ش
کـ	کـ مستعمل	/z/	ز، ذ، ض، ظ
کـ	کـ	/x/	خ
مـ	مـ	/h/	ه، ح
~	تکرار کلمه	/č/	چ
←	رجوع شود.	/j/	ج
><	شاهد مثال برای کلمه	/m/	م
/	واحد واج شناختی	/n/	ن
		/l/	ل
		/r/	ر
		/y/	ی

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: پیشینه تاریخی لورا و مکان های وابسته به آن.....	۱۹
فصل دوم: بحثی پیرامون زبان ، گویش ، لهجه و گونه های زبانی با نگاهی به گویش مورد کند.....	۷۵
فصل سوم: روش شناسی پژوهش.....	۸۵
فصل چهارم: بررسی آمیختگی گویش مورد مطالعه.....	۸۹
فصل پنجم: بررسی دستوری گویش مورد مطالعه.....	۱۰۱
فصل ششم: بررسی تلفظ گونه زبانی حسنگدري با سایر گونه های زبانی گویش لورایی.....	۱۳۵
فصل هفتم: بررسی مقایسه ای گویش زبانی اورازانی و دماوندی با گونه لورایی : مورد مطالعه حسنگدر.....	۲۱۳
فصل هشتم: بررسی جامعه شناختی گویش لورایی مورد مطالعه گونه زبانی حسنگدري.....	۲۲۷
فصل نهم: بررسی جامعه شناختی ضربات زبانی لورایی : مورد مطالعه حسنگدر.....	۴۰۳
فصل دهم: شرح و بسط برخی از واژگان و اصطلاحات گونه زبانی حسنگدري.....	۵۰۹
بحث و نتیجه گیری.....	۵۳۵
منابع و مأخذ.....	۵۳۹
پیوست.....	۵۴۹
تصاویر گویشوران منطقه لورا.....	۵۶۱

زبان ضامن هویت آفرینی و خلق تمایز و تشخیص، عنصری حیاتی در ارتباط و کنش متقابل محسوب می‌گردد. شناخت زبان در عین اینکه برای مجموعه گویشوران و سخنگویان آن گونه زبانی جذاب می‌شود، می‌تواند به مدد آن به نظام فکری، شاکله باوری و حیات اجتماعی و فرهنگی یک زیست بوم دست یابد. کمک زبان است که می‌توان به دانش بومی و جهان بینی یک قوم در هر برهه‌ای از تاریخ رسید.

زبان به مثابه قلوه سنگی دانش و نشان نمی‌باشد، بل گلی انعطاف‌پذیر و ماده‌ای تغییرپذیر می‌باشد که به رنگ هر ظرفی در می‌آید. سبیل در است تغییرات، گسترش ارتباطات و به مدد فناوری‌های نوین در قالب دنیای مجازی گونه‌های زبانی بسیاری به عنوان «امر محلی» در مقابل «امر جهانی» به چالشی بزرگ و رنجشی تعب‌آور دچار گشته است. بحوی که ثبت و مطالعه در این برهه از زمان که دنیا به شکل مجازی از واقعیت تهی شده است، بی‌اهمیت می‌باشد. چرا که درنگ در این حالت، منجر به مرگ مطلق یک گونه زبانی می‌گردد، به گونه‌ای که در آن به نزدیک نمی‌توان هیچ شمایی از رخ آن زبان را به تصویر کشید.

گونه‌های زبانی ایرانی، گنجینه‌ای سترگ و قابل پژوهش می‌باشند که بسته بررسی، مدافه و شناخت می‌باشند. از دل این گونه‌های زبانی می‌توان فرهنگ، تاریخ و دانش یک پهنه را واکاوی و به شناخت دقیق و کرارمند دست یازید. چه بسا با کندوکاو پیرامون واژه یا اصطلاح، بررسی فرهنگی از یک محیط خاص مورد بررسی و معرفت قرار گیرد، یا گره‌ای تاریخی از پی‌مانی بیش از یک بوم بازگردد.

در این پژوهش تلاش گردیده به اتکای نظریه‌های رایج در جامعه‌شناسی زبان و با کمک داده‌های میدانی به دست آمده از میدان تحقیق به شناخت گویش لورایی با تمرکز بر گونه زبانی حسنکدردی پرداخته شود.

پژوهش‌های میدانی به ویژه در حوزه زبان و جامعه، بسیار زمان بر می‌باشد و نیاز به گروه‌های منسجم و پر تلاش علمی دارد. از سویی دیگر کشف و ثبت واژگان و اصطلاحاتی که به دلیل عدم

« موضوعیت » دیگر کاربردی در جامعه و زیست بوم ندارند فعلی پرتعب می‌باشد. شناخت واژگان منسوخ یا کم کاربرد از دل مناسبات حاضر بس مشکل می‌باشد.

پژوهش حاضر حاصل کار گروهی و همکاری‌های بی‌دریغ و درخور توجه بزرگانی می‌باشد که بدون پشتوانه پدنامه آنان به سرانجام نمی‌رسید. برخی از گویشوران و همکاران پژوهش در عین کهولت سن با روی باز و سعه صدر شگفت‌انگیزی از پژوهش حاضر حمایت نمودند. بی‌گمان، اگر همت و کلام، عزم پولادین و وسعت اطلاعات میدانی صفی‌الله غلامی، فرهنگی برجسته، نمی‌بود این تلاش بی‌بامان نمی‌رسید. از رهنمودهای صائب و امیدبخش دانشمند ارجمند دکتر منوچهر ستوده نیز قدردانی به عمل می‌آید.

به رسم دیرینه سزاسازان که از همه همکاران پژوهش که با دراختیار گذاشتن اسناد، مدارک، عکس و یا با سخنان، کلام، راهنمایی‌های خویش، این دفتر را تکامل بخشیدند، سپاسگزاری بی‌کران گردد. تدوین و تکمیل این اثر، بدون همکاری صمیمانه بزرگ‌اندیشان و مهرآیینان ذیل است. والامنشانی که با روحیه فراخ و نظر بلند، در خلق این پژوهش داشته‌اند:

در بخش نمونه مورد مطالعه محترم - شادروان حاج حسن سالارکیا (اسناد و مدارک) ، شادروان صفر ریسی (ضرب‌المثل) ، شادروان مجتبی غلامی (دست‌نوشته‌ها) ، شادروان اسفندیارکرد (ضرب‌المثل ، لغات و اصطلاحات) ، شادروان یداله غلامی (ضرب‌المثل) ، شادروان مهدی غلامی (لغات و اصطلاحات)، شادروان فاضل ریسی (لغات و اصطلاحات)، شادروان ساره ملا (لغات و اصطلاحات) ، شادروان سیده فاطمه ریسی (لغات و اصطلاحات) ، شادروان هادی لورایی‌نژاد (اسناد و مدارک شنیداری) ، محسن سالارکیا (ضرب‌المثل) ، محمدعلی غلامی (لغات و اصطلاحات ، ضرب‌المثل) ، علی بابا ریسی (ضرب‌المثل ، لغات و اصطلاحات) ، عباسعلی ملا (لغات و اصطلاحات ، پیشینه تاریخی) ، یحیی غلامی (ضرب‌المثل ، لغات و اصطلاحات) ، یوسف کرد (لغات و اصطلاحات، پیشینه تاریخی) ، قربان حسینی طالقانی (جغرافیای طبیعی) ، رجبعلی ریسی (اصطلاحات کشاورزی ، اسناد و مدارک) ، رمضان کرد (لغات و اصطلاحات) ، رجبعلی ملا (ضرب‌المثل) ، رجب غلامی (ضرب‌المثل) ، رمضان کردی (لغات و اصطلاحات) ، بهرام غلامی (لغات و اصطلاحات) ، فرامرز ریسی (اسناد و مدارک)، رحمت غلامی (لغات و اصطلاحات، پیشینه تاریخی) ، سیف‌اله ریسی (لغات و اصطلاحات) ، حاجی ریسی (لغات و اصطلاحات) ، علی غلامی ۷۵ ساله (ضرب‌المثل) علی غلامی ۳۷ ساله (لغات و اصطلاحات) ، علی غلامی ۱۹ ساله (عکس)، محمد سالارکیا (لغات و اصطلاحات، عکس) ، محمد ریسی (بازی

های محلی، عکس)، جواد غلامی (اسناد و مدارک)، خسرو غلامی (لغات و اصطلاحات، پیشینه تاریخی) درویش حسینی طالقانی (طوایف)، محرمعلی ملا (لغات و اصطلاحات)، علی سالارکیا (ضرب المثل)، بمانی غلامی (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، حبیبه ملا (لغات و اصطلاحات)، عطاءاله کرد (ضرب المثل)، گل بهار کرد (ضرب المثل)، نرگس جمشیدی (ضرب المثل)، فاطمه حسین نشتایی (لغات و اصطلاحات)، زهرا کثیری (ضرب المثل)، سیما ایرانطلب (لغات و اصطلاحات)، معصومه ملا (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، ماهرخ ایرانطلب (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، آسیه غلامی (لغات و اصطلاحات)، نادر غلامی (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، فضل الله ریسی (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، محمدرضا کرد (لغات و اصطلاحات)، ایران غلامی (ضرب المثل)، مرجانه غلامی (ضرب المثل، عکس)، علی عرف ریسی (ضرب المثل)، اسماعیل غلامی (ضرب المثل)، بتول سالارکیا (ضرب المثل)، کافیہ ملا (ضرب المثل)، ولی سالارکیا (ضرب المثل)، بهمن ایرانطلب (ضرب المثل، لغات و اصطلاحات)، رضا کمالی (ضرب المثل)، ذبیح الله غلامی (ضرب المثل)، فاطمه غلامی (ضرب المثل)، عباس غلامی (ضرب المثل)، امیر سالارکیا (اصطلاحات نجاری)، رضا ریسی (اصطلاحات قصابی)، هاشم غلامی (اصطلاحات نجاری)، رحمان غلامی (اصطلاحات دامداری)، سلمان غلامی (اصطلاحات دامداری)، محسن غلامی (اصطلاحات دامداری)، جواد ریسی (اصطلاحات دامداری)، اکبر غلامی (اصطلاحات دامداری)، حبیبه غلامی (لغات و اصطلاحات)، حدیقه غلامی (لغات و اصطلاحات)، زهره غلامی (لغات و اصطلاحات دارویی)، رقیه غلامی (گیاهان دارویی)، محمد تقی نورایی نژاد (لغات و اصطلاحات دارویی)، احمد غلامی (لغات و اصطلاحات)، شمسی کُرد (لغات و اصطلاحات)، اصغر غلامی (لغات و اصطلاحات)، علیرضا ریسی (لغات و اصطلاحات)، غلامعلی غلامی (لغات و اصطلاحات)، مهدی (اجر) لغات و اصطلاحات)، اقلیما ریسی (لغات و اصطلاحات)، شهاب ایرانطلب (لغات و اصطلاحات)، روح الله ریسی (لغات و اصطلاحات)، عذرا ملا (لغات و اصطلاحات)، فیض الله ریسی (لغات و اصطلاحات)، امان الله غلامی (لغات و اصطلاحات)، رضا کرد (لغات و اصطلاحات)، زیبا ایرانطلب (لغات و اصطلاحات)، رضا ملا (لغات و اصطلاحات)، عبدالرضا لورایی نژاد (پیشینه تاریخی)، نوش آفرین کرد (لغات و اصطلاحات)، تاجماه ریسی (لغات و اصطلاحات دارویی)، محترم کرد (محرم) (لغات و اصطلاحات)، فریده غلامی (لغات و اصطلاحات گیاهان)، غفار ملا (اسناد و مدارک)، اماموردی ملایی (اسناد و مدارک)، صفی الله کرد (اسناد و مدارک)، اسدالله ملا (عکس)، نبی الله کرد

(عکس)، حمید ملایی (عکس)، محسن غلامی (عکس)، جانعلی غلامی (عکس)، مهدی غلامی (عکس)، الیاس غلامی (عکس)، اسماعیل کرد (عکس)، ماریه ملا (عکس)، مهدی حسینی طالقانی (عکس)، معجد ریسی (عکس)، فرهاد غلامی (عکس) و در سایر روستاها: سیدعیسی صید، ولایترو (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی، لغات و اصطلاحات)، رمضان سولقانی، ولایترو (جغرافیای طبیعی)، سید رضا صید، ولایترو (پیشینه تاریخی)، سیدعبدالله صید، ولایترو (لغات و اصطلاحات)، سیدحبیب الله جعفری، ولایترو (لغات و اصطلاحات)، سیدمهدی جعفری، ولایترو (اسناد و مدارک)، جواد بها، ولایترو و وارنگه‌رود (جغرافیای طبیعی)، عبدالرحمن تیر، وارنگه‌رود (لغات و اصطلاحات)، علی رشیدفر، وارنگه‌رود (لغات و اصطلاحات)، پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی، جلال ساوه‌ای، گچسر (لغات و اصطلاحات)، پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی، فاطمه سبکی گچسر (لغات و اصطلاحات)، محمدرضا سیرایی، وله (لغات و اصطلاحات)، سید حسین جعفری، وله (اسناد و مدارک، لغات و اصطلاحات)، ابوالقاسم سیرایی، وله (اسناد و مدارک)، مسعود غلامی، وله (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، جمال آذیر، وله (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، پرویز شایسته‌نژاد، آسیابدرگاه (لغات و اصطلاحات، اسناد و مدارک، جغرافیای طبیعی)، غلامحسین شایسته‌نژاد، آسیابدرگاه (لغات و اصطلاحات)، شعبان نادى‌زاده، کهنه‌ده (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، علی بابا خداکرمی، کهنه‌ده (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، اسکند بابایی، آزادبر (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، ملک خان بابا، آزادبر (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، الیاس بابا، آزادبر (لغات و اصطلاحات)، محمد بابا، آزادبر (لغات و اصطلاحات)، احمد تیرگر، کوشک (لغات و اصطلاحات)، پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی، اسناد و مدارک)، محمود تیرگر، کوشک (لغات و اصطلاحات)، ابوالقاسم تیرگر، کوشک (لغات و اصطلاحات)، علیرضا نظری، ملک‌فالیز (لغات و اصطلاحات)، میثم نظری، ملک‌فالیز (لغات و اصطلاحات)، قدرت مورج، ملک‌فالیز (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، اسناد و مدارک)، حیدر مورج، ملک‌فالیز (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، روح‌الهنگر، نسا (لغات و اصطلاحات) مهدی‌کاوایی، نسا (لغات و اصطلاحات)، سیدقربان ریسی، نسا، (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، چراغعلی ملایی لورایی، سرخدر (لغات و اصطلاحات، پیشینه تاریخی)، اسماعیل ملایی لورایی، سرخدر (لغات و اصطلاحات، جغرافیای طبیعی)، ابراهیم غلامی، گرماب (لغات و اصطلاحات)، عباس خانی، گرماب (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، مجیدخانی، گرماب (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)، رحمت غلامی، میدانک (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی)،

محمد غلامی ، میدانک (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی) ،عباس غلامی ، کسبل (لغات و اصطلاحات) ،حیدر عرب ، کسبل (لغات و اصطلاحات) ،امیر خواجوی ، کسبل (لغات و اصطلاحات) ، پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی) ،فرهاد غلامی ، کسبل / کلارود (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی) ،حسن خواجوی ، گشنادر (پیشینه تاریخی، جغرافیای طبیعی) .

در پایان از هماهنگی های صورت پذیرفته از سوی عیسی ملا در راستای امور مربوط به چاپ اثر کمال تشکر به عمل می آید. طرح روی جلد ، کار شایسته هنرمندان خوش ذوق ؛ روح الله غلامی و سیامک بیرمیان است که به جا است از ایشان نیز سپاسگزاری ویژه گردد.

توانایی این گفتمان انسان به درازنای تاریخ می باشد. انسان‌های نخستین در آغاز به مدد نمادها با یکدیگر ارتباط پیدا می نمودند و فهم مشترک از این طریق رخ می داد و به مرور که انسانها توانستند صاحب خرد گردند نسبت به زبان خویش کنجکاو شدند. پیشینه این کنجکاوی به حدود سه تا چهار هزار سال پیش برمی گردد. کسی که انسان درک نمود، بهترین آینه ذهن و اندیشه بشر زبان می باشد [۱] کنشگران از بدو توبه زبان را آموزند و زبان به آنان ارث می رسد و به عنوان میراث دار با آن به زیست می پردازند. آنان واردای «گوشه»، «شیر» و «خانه» را به مفهومی اطلاق می نمایند که پیشینیان به آن اطلاق می نمودند. بنایان زبان و نشانه‌های وابسته به آن متکی بر سنت می باشند. [۲] هر چند ممکن است لایه‌هایی از آن به ویژه در سطح واژگان تغییرهای خلق‌الساعه‌ای رخ دهد.

انسان‌ها زبان را منفعلانه از طریق کنش‌های متقابل با تعامل‌های زبانی می آموزند و بکار می برند. چنانکه سوسور خاطر نشان می نماید یک زبان ممکن است در برهه‌هایی با تغییر اندک مواجه و در زمان‌هایی با تغییرهای بنیان برانداز مواجه گردد. [۳]

پاره‌ای از زبان‌ها بسته به طبیعت و ذاتشان و محیطی که در آن بکار می روند به طور ذاتی محافظه کار می باشند و قدرت سازگاری کمتری با زبان‌های دیگر دارند و در برابر همه‌ها توان زیادی برای مقاومت از خود نشان می دهند و پاره‌ای دیگر بسی خلاق می باشند. ذاتی بدرویی با گونه‌های زبانی دیگر به سهولت پیوند می خورند و چه بسا در این میان به سیلان بنیانی گرایش نمایند. [۴]

مدرنیته از بدو شروع در بستر دنیای غرب به دلیل ماهیت وجودی، همه لایه‌ها و فرهنگ اجتماعی زیست بوم‌های کره خاکی را با چالشی بزرگ مواجه ساخته است. کمتر فرهنگی را می توان پیدا نمود که از هجمه گریزناپذیر مدرنیته در امان مانده باشد و در این راستا به اجبار پوست نینداخته باشد. این جریان در مواردی به عمق لایه‌های فرهنگی نفوذ و عناصر فرهنگی را به خاطر خصلت «باز اندیشانه» خود به فراگشت و تحول سوق داده و در پاره‌ای از موارد دگرپرسی‌هایی در شکل یک عنصر فرهنگی ایجاد شده است.

زبان به عنوان لایه محافظ و پوسته نگهدارنده فرهنگ در معرض هجوم مدریته و جهانی شدن قرار دارد. زبان که پوسته فرهنگ محسوب می‌گردد اگر قدرت نگهدارندگی خود را از دست دهد تمام لایه‌های دیگر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند به گونه ای که حیات اجتماعی و فرهنگی یک قوم به طور کلی وابسته به شدت دگرگونی آسیب می‌بیند.

دگرگونی‌های ارتباطی و تغییرات شدید تکنولوژیکی به شکلی شگفت انگیز مرزها را به هم نزدیک و در آیدای آن موارد مرزها و حریم‌ها به طور کلی از میان برداشته شده است. یکنواختی و یکسانی بر همه نظام زندگی حاکم شده است. سلیقه‌ها و احساس‌ها رخت یکسانی پوشیده و نیازها در این بستر به صورت متحد‌الشکل گل نموده و سپس به صورت واحد برآورده می‌شود. در این میان دامنه واژگانی در همه دنیا به یک شکل با اندکی تفاوت کاربرد پیدا نموده است و یک زبان و یک ادبیات در قالب نیازهای یکسان متحد شده است.

تمایز و تشخیص بین بوم و سنت محسوب می‌گردد در معرض جهانی شدن در حال رنگ باختن می‌باشد. همه زیست بوم‌ها در محله‌ها به رغم تفاوت‌های ذاتی به مرز یک شکلی در حرکت می‌باشند. در این حالت سنت با همه قوام و اصالت و چالش اساسی و دگردیسی روبرو شده است. روزگاری هر بوم یا هر محیط بنا به شرایط محیطی و ریش و آسایش گرفته از عناصر طبیعی خود و سازگار با زیست بوم خود خانه می‌ساخت، غذا می‌خورد، لباس می‌پوشید به تفریح و سرگرمی می‌پرداخت و هنر و مذهب خود را سامان می‌بخشید. زندگی اجتماع در این وضعیت بر محور تفاوت و تمایز شکل می‌گرفت. این بود که هر محیط گونه زبانی مختص داشت که به صورت درونزا از دل محیط شکل گرفته بود. دانش بومی هر زیست بوم که نتیجه هوش طبیعی بود به صورت میراثی ماندگار به نسل بعد سپرده می‌شد. کوشش می‌شد این میراث سترگ در هر محیط حفظ و بهبود و منتقل گردد.

به این دلیل با پژوهش و شناخت در فرهنگ‌های اصیل و بومی در برگیرنده ما، می‌توان به عمق و دامنه دانش آن بوم پی برد. به عنوان نمونه با مطالعه ساخت مسکن در دامنه‌های شمال کشور که به طور طبیعی برف و باران زیاد می‌بارید، کنشگران با استفاده از هوش طبیعی مسکن خویش را طراحی و می‌ساختند که کمترین آسیب به محیط زیست وارد می‌ساخت و بالاترین سازگاری با محیط داشت. با استفاده از انرژی‌های پاک و تجدید پذیر سازگاری بالایی را با طبیعت داشتند. در این وضعیت معماری زبان خاص خود را داشت و واژگان و اصطلاحاتی در این حیطه به صورت درون‌زا شکل، حفظ و منتقل می‌گردید.

اما امروزه در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، پوشش، مسکن، هنر، غذا، تفریح و سرگرمی و ازگانی جهانی شکل گرفته است که منجر به زبانی جهانی با محوریت زبان انگلیسی به عنوان زبان غالب شده است. در حوزه معماری و ساخت به واژه‌هایی مثل؛ پلن، ویو، دکوراسیون ... عادت شده است و واژه‌هایی مانند؛ نال، سرنال، سیابوم و گل بوم به نسیان سپرده شده است. به دلیل اینکه معماری و ساخت در سرزمین ما تابع شرایط جهانی و البته بدون ریشه‌های اصیل ایرانی اسلامی از دنیای غرب کپی بردار شده است.

بدین ترتیب، ثبت و ضبط، بحث و تبیین پیرامون گونه‌های زبانی وابسته به زبان معیار در کشور ما بسیار مهم می‌باشد. زبان شناسان پیش‌بینی می‌نمایند از میان زبان‌های حال حاضر دنیا که عدد آن به ۷۰۰۰ زبان می‌رسد، بسیاری از زبان‌ها در هیچ جای دنیا بکار نمی‌رود و کاربردی ندارند. زبان شناسان از یک منظری زبان‌ها را به زبان‌های بزرگ (big languages) و زبان‌های کوچک (small languages) تقسیم می‌نمایند و تأکید می‌کنند که زبان‌های کوچک را بایستی بیشتر مورد مذاقه و مطالعه قرار داد. به این دلیل که این زبان‌ها زودتر از بین می‌روند. [۵]

زمانی که زبانی می‌میرد و از صفحه دورگار محو می‌گردد به واقع یک نظام فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی از میان می‌رود. مجموعه نگرش، دانش، آیین و وابسته به گروهی از کنشگران می‌باشد از میان می‌رود و دیگر نشانی از آن باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب دانش‌های بومی نیز از میان می‌روند و به طور کلی پایه‌ها و بنیان دانش سست و لرزان می‌گردد و به تدریج تجربه‌ها تکرار می‌گردد. [۶]

پژوهش حاضر با اهداف ذیل سامان داده شده است. اهداف اصلی در قالب فصولی تنظیم و آورده شده است. ثبت، ضبط و دسته‌بندی واژگان، اصطلاحات و ضرب‌النس‌های رایج در جامعه مورد مطالعه یکی از اهداف پژوهش بوده که در لابه‌لای فصول این مهم حاصل گردد. استادی که کمک شایانی به عهده زوال و مرگ یک گونه زبانی می‌نماید.

بررسی جامعه‌شناختی گویش لورایی با محوریت گونه زبانی حسنگدیری یکی از اهداف اصلی این مطالعه می‌باشد. نظر به اینکه زبان به طور اساسی امری اجتماعی و واقعیتی حیاتی می‌باشد و در این پژوهش رابطه مولفه و متغیرهای مهم جامعه‌شناختی به عنوان متغیرهای مستقل با گونه زبانی مورد بررسی، به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است. در این بخش با توجه به نظریه‌های رایج در جامعه‌شناسی زبان به توصیف، تبیین و تحلیل گونه زبانی پرداخته شده است. بعلاوه در این قسمت ضمن شناخت و دسته‌بندی واژگان و اصطلاحات، محورهای مهم و قانونی مورد بررسی واقع شده است.

یکی دیگر از اهداف پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی ضرب‌المثل‌های رایج در گونه زبانی مورد پژوهش می‌باشد. در این میان با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا ضمن شناخت دقیق ضرب‌المثل‌های رایج، به تحلیل بافت اجتماعی با توجه به عناصر اصلی مورد شناخت در محتواهای ضرب‌المثل‌ها پرداخته شده است. سعی شده است به جهان بینی و نظام باور کنشگران با توجه به داده‌های در دسترس اشاره گردد.

با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای جامع در خصوص جامعه مورد مطالعه صورت نگرفته است به عنوان یک از اهداف فرعی به شناخت نظام آوایی / واجی و نظام دستور گونه زبانی مورد کندوکاو پرداخته شده است. نظر به اینکه هر زبانی قاعده و نظام مشخصی در آوا و دستور دارد سعی شده به تبیین قاعده‌های مندرج‌الذکر زبانی با ذکر نمونه‌های عینی پرداخته شود.

مقایسه گونه زبان حسکدزی به عنوان مورد اصلی مطالعه و نمونه مرکزی یکی دیگر از اهداف پژوهش می‌باشد که با توجه به صورت شناخت گونه زبانی حسکدزی اجتناب ناپذیر بوده است. در این بخش ضمن مقایسه این گونه با گونه‌های دیگر از طریق پرسشنامه به توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نیز متناسب با هدف پژوهش اشاره شده است.

نظر به اینکه مقایسه گونه زبانی حسکدزی به عنوان گونه مورد انتخاب در گویش لورایی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را با گونه‌های هم‌جوار در مسیر معنای نشان می‌داد به صورت تصادفی، مقایسه محدود این گونه زبانی با گونه‌های زبانی پیرامونی، اورازانی، دماوندی انجام شده است. مقایسه‌ای که شایسته درک و فهم دقیق می‌باشد. تفاوت‌های معناداری نیز رابطه وجود دارد.

زبان معیار را یک گونه زبانی می‌دانند که به صورت مدون و سیستمی شده می‌باشد. و از سوی بخش بسیار زیادی از یک جامعه زبانی به عنوان الگو مورد پذیرش و استفاده می‌گردد. بعلاوه دارای مختصاتی نظیر ثبات، انعطاف‌پذیری، دقت و پختگی می‌باشد. [۱] با توجه به اینکه زبان معیار در هویت ملی و انسجام سیاسی و فرهنگی یک کشور بسیار اهمیت دارد بنابراین تقویت آن ضرورت دارد. از سویی دیگر اسید جهانی شدن با خوردگی فوق‌العاده زیاد در بین بردن زبان معیار کشورمان می‌باشد. بنابراین ضرورت دارد در راستای تقویت زبان معیار، گونه‌های زبانی وابسته که به زعم نگارنده توان بسیار زیادی برای واژه‌سازی و گنجینه‌شگفت‌انگیزی از واژگان و اصطلاحات در زمینه‌های مختلف و جنبه‌های زیست اجتماعی دارا می‌باشند به مدد زبانی معیار شتافته و پوششی فولادین را برای زبان فراهم نمایند تا در گزند طوفان سهمگین مدرنیته مضاعف روین‌تن نگردد.

در این راستا و با توجه به این هدف سعی شده در بخشی به صورت مستقل برخی از واژه و اصطلاحات که ضرب‌آهنگ و طنین خاصی دارند و یا بار معنایی بزرگی دارند و در برخی موارد معنا و شکل واژه ترکیب زیبا و بامسمایی خلق نموده‌اند مورد شناسایی، بحث و فحص قرار گیرند که بتوانند پشتوانه زبان معیار در واژه‌گزینی در مقابل زبان‌های بیگانه باشند. امری که می‌توان به عنوان الگو برای تمام گونه‌های زبانی وابسته به زبان معیار بکاربرد.

در پایان با عنایت به عدم انتشار و یا انجام مطالعه‌ای مکتوب راجع به پیشینه و تاریخ جامعه مورد بررسی، تذکر سبوت و پردامنه‌ای - که شاید نسبت به سنخ کار قدری نامعمول جلوه نماید - از پیشینه منطق ورا و مکان‌های وابسته به آن پرداخته شده است.

www.ketab.ir

پی نوشت :

۱. نوام ، چامسکی ، دانش زبان ؛ منشا و کاربرد آن ، ترجمه علی دوزی ، تهران ، نشر نی ، ۱۳۸۰، ص ۲۹.
۲. دیوید ، هلد کرافت ، سوسور ، نشانه ها ، نظام و اختیاری بودن ، ترجمه سپیده عبدالکریمی ، تهران ، انتشارات علمی ، ۱۳۹۱ ، ص ۱۱۹.
۳. همان منبع ، صص ۱۵۶ و ۲۵۶.
۴. همان منبع ، ص ۱۸۱.
۵. دونا جونا پولی ، ورالی ، شون فلد ، ترجمه راحله گندمکار ، تهران ، انتشارات علمی ، ۱۳۹۱، صص ۲۸-۲۹۶.
۶. همان منبع ، صص ۲۹۸-۳۰۴.
7. Carvlin, p, some comments on language planning, in language planning current issues and research, eds. j. Rubin .r. shuy, Georgetown university press, Washington dc ,1973, pp: 24-33.